

مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال چهل و هفتم، شماره پیاپی ۹۵
پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ص ۱۳۸-۱۱۹

رفائیل فرشته در روایات یهودی، مسیحی و اسلامی*

دکتر سید عبدالمجید حسینی زاده
استادیار دانشگاه پیام نور، گروه علوم قرآن و حدیث
Email: majidhoseinizadeh@yahoo.com

چکیده

یکی از مسائل مهم الهیاتی در بسیاری از ادیان به ویژه ادیان ابراهیمی، «فرشته شناسی» به خصوص شناخت «فرشتگان مقرب» است. این پژوهش به یکی از فرشتگان به نام «رفائیل» می‌پردازد و در آن اهمیت و وظایف او در سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام مقایسه می‌شود. همچنین بررسی می‌شود که آیا رفائیل همان «اسرافیل» است یا نه. نتیجه آن که رفائیل در برخی از روایات مسیحی و یهودی فرشته‌ای مقرب دانسته شده و نقش او نیز در این دو دین بسیار نزدیک به هم است. اما در اسلام رفائیل چنین اهمیتی ندارد و نقش او نیز با نقش رفائیل در یهودیت و مسیحیت تا حدود زیادی متفاوت است. دلیل قاطعی نداریم که اسرافیل در اسلام همان رفائیل باشد.

کلیدواژه‌ها: رفائیل، اسرافیل، سرافیم، فرشته مقرب، یهودیت، مسیحیت، اسلام.

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۰۲/۱۷، تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۲/۱۱/۲۶.

مقدمه

یکی از مسائل مهم الهیات در ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت، اسلام) و برخی از ادیان غیر ابراهیمی مانند دین هندویی، شناخت فرشتگان به عنوان پیام‌آوران خدا، محافظان انسان و کارگزاران خداست که فرشته‌شناسی^۱ نامیده می‌شود ("Angel", in Wikipedia). در کتاب *مفاهیم* داستان‌های بسیار درباره‌ی وظایف فرشتگان آمده است (هاکس، ۶۴۸). در اسلام نیز ایمان به فرشتگان از مهم‌ترین مسائل دینی شمرده شده، چنان‌که در قرآن کریم ایمان به فرشتگان در ردیف ایمان به خدا و کتاب‌های آسمانی و پیامبران دانسته شده است (بقره: ۲۸۵).

در این پژوهش درباره‌ی یکی از فرشتگان معروف در یهودیت و مسیحیت به نام «رفائیل» سخن می‌گوییم که در اسلام کمتر شناخته شده است. رفائیل در پاره‌ای از روایات یهودی و مسیحی فرشته‌ای مقرب دانسته شده است. در این مقاله بررسی خواهیم کرد که آیا این فرشته در اسلام نیز به اندازه‌ی دو دین دیگر اهمیت دارد یا نه و نقش او در سه دین چه نکات مشترک و چه تفاوت‌هایی دارد. همچنین بررسی می‌کنیم که آیا این فرشته همان «اسرافیل» است که یکی از فرشتگان مقرب در اسلام است یا نه. از آنجا که - چنان‌که گفته شد - رفائیل در یهودیت و مسیحیت فرشته‌ای مقرب دانسته شده، سزاوار است ابتدا به موضوع «فرشتگان مقرب» بپردازیم و سپس نقش این فرشته را در سه دین یک به یک بررسی و آنگاه مقایسه کنیم.

فرشتگان مقرب در ادیان ابراهیمی

عبارت «فرشته مقرب»^۲ (ملک مقرب) به فرشتگان رتبه بالا گفته می‌شود. فرشتگان مقرب در تعدادی از سنت‌ها از جمله یهودیت، مسیحیت و اسلام یافته می‌شوند. یهودیان و بیشتر مسیحیان، «میکائیل»^۳ و «جبرئیل»^۴ را به عنوان فرشتگان مقرب به رسمیت می‌شناسند. کتاب *طوبیت*^۵، نام «رفائیل»^۱ را ذکر می‌کند که برخی او را نیز فرشته مقرب می‌دانند

^۱ - angelology.

^۲ - archangel.

^۳ - Michael.

^۴ - Gabriel.

^۵ - *the Book of Tobit*.

(*"Archangel"*, in *Wikipedia*). فرشتگان مقرب در اسلام عبارت‌اند از: جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و عزرائیل یا ملک الموت (صدوق، ۲۲۵؛ راوندی، ۲۶۰؛ ابن ابی الحدید، ۹۴/۱؛ ابن عساکر، ۲۲۱/۱). از نظر بیشتر دانشمندان یهودی، مقام میکائیل از جبرئیل بالاتر است (Ginzberg, vol 5, p.71). اما نظر بیشتر دانشمندان مسلمان عکس این نظر است (مناوی، ۱۳۸/۳).

روایاتی دیگر گروهی متشکل از هفت فرشته مقرب را تعیین کرده‌اند که نام آن‌ها بسته به منبع روایت، متفاوت ذکر شده است (*Wikipedia, ibid*)؛ برای نام هفت فرشته مقرب در روایات ادیان گوناگون، ر.ک: *"Seven Archangels"*, in *Wikipedia*؛ برای نمونه‌ای اسلامی از به رسمیت شناختن هفت فرشته مقرب، ر.ک: صالحی شامی، ۴۴۰/۱۲) واژه Archangel از واژه یونانی archangelos گرفته شده است، (*"Archangel"*, in *Wikipedia*)

رفائیل در یهودیت

فرشتگان ذکر شده در اسفار خمسه تورات (که قدیم‌ترین قسمت کتاب مقدس است) بدون نام هستند. ربی شیمعون بن لاقیش اهل طبریه^۲ گفته است همه نام‌های خاص فرشتگان به یهودیان بابل بر می‌گردند و مفسران امروزی نیز به پذیرش این دیدگاه متمایل هستند (*"Raphael"*, in *Wikipedia*)؛ بنابراین نام‌های خاص فرشتگان را باید در ادبیات پس از دوره تبعید بابلی جستجو کرد. اینک این جستجو را در دو محور «میدراش‌ها و ادبیات حاخامی» و «متون آپوکریفا و سوداپیگرافا» پی می‌گیریم:

آ - میدراش‌ها و ادبیات حاخامی

ربی لوئیس گینزبرگ^۳ در کتاب خود *افسانه‌های یهود*^۴ در مورد اعتراض فرشتگان به اراده

به زودی در مورد این کتاب سخن خواهیم گفت. چون اصل عبری نام این کتاب با کلمه عربی «طیب» هم خانواده است، بهتر است این کلمه و همچنین «طوبیاس» با حرف «ط» نوشته شود.

^۱ - Raphael.

این کلمه در زبانهای اروپایی «رافائل» تلفظ می‌شود، اما چون در منابع اسلامی به صورت «رفائیل» ذکر شده و این تلفظ با آهنگ زبان فارسی هماهنگ‌تر است آن را با تلفظ اخیر آوردیم.

^۲ - Shimon ben Lakish of Tiberias.

^۳ - Louis Ginzberg.

^۴ - کتاب *افسانه‌های یهود* عصاره‌ای از صدها متن یهودی است که گینزبرگ آن‌ها را به صورت متنی بلند و داستان گونه خلاصه کرده است. در داستان مورد بحث، منابع اصلی گینزبرگ عمدتاً میدراشی بوده‌اند، به همین

خداوند برای خلق آدم می‌نویسد: «اعتراض بسیاری از فرشتگان برای آن‌ها نتایج مهلکی داشت. وقتی خداوند فرشتگان تحت فرمان میکائیل را احضار کرد و نظر آنان را در مورد خلقت انسان پرسید، آن‌ها با استهزاء گفتند: «انسان چیست که او را به یاد آوری؟...»^۱ خداوند انگشت کوچک خود را دراز کرد و همه آن فرشتگان به جز رئیسشان (با آتشی که از انگشت خارج شد) سوختند. همین سرنوشت شوم بر سر فرشتگان تحت رهبری جبرئیل نیز آمد و تنها خود جبرئیل نجات یافت. سومین گروهی که مورد مشورت قرار گرفتند تحت فرمان «لابیل»^۲ بودند. لابییل به آن‌ها هشدار داد شما بدبختی‌ای را که بر سر فرشتگانی که با آفرینش آدم مخالفت کردند دیدید. بیایید ما آن طور عمل نکنیم، مبدا به همان مجازات دچار شویم. چون خدا در نهایت از آنچه نقشه کشیده خودداری نخواهد کرد؛ بنابراین به صلاح ماست که تسلیم خواست او شویم. به خاطر همین هشدار، آن فرشتگان گفتند: «ای خدای جهان، فکری که در مورد خلق انسان کرده‌ای خوب است. او را مطابق خواست خود خلق کن؛ و اما در مورد ما، ما خدمتکار و کمک کار او خواهیم بود و همه اسرار خود را بر او آشکار خواهیم کرد». در آن هنگام خدا نام لابییل را به «رافائل» تغییر داد، یعنی «نجات دهنده»، زیرا فرشتگان تحت فرمان او با نصیحت حکیمانه او نجات یافتند. او به سمت «فرشته درمان» منصوب شد و او فرشته‌ای است که نمونه تمام داروهای زمینی را در صندوقچه خود دارد»

(Ginzberg, vol 1, pp. 53-54؛ ر.ک: منابع اصلی در: ibid, vol 5, pp.70-71)

در مورد اشتقاق واژه «رفائیل»، گینزبرگ معتقد است این نام در اصل وضع خود از به معنای «شفا داد» مشتق نشده، بلکه ممکن است شباهت آن با این واژه باعث شده باشد که داستان «فرشته درمانگر» بعداً برای توضیح نام او ایجاد شود. به اعتقاد گینزبرگ رفائیل از (به معنای اشباح^۳) در Enoch 22:1-61 مشتق شده که در آن رفائیل فرمانروای دوزخ^۴ است. او در مورد اشتقاق «لابیل» می‌نویسد چون در اسطوره‌شناسی بابل، نرگال^۵ خدای

خاطر داستان ذیل عنوان «میدراشها و ادبیات حاخامی» آمد (بسیاری از منابع مورد استفاده او تاکنون چاپ نشده‌اند و به همین دلیل در دسترس نویسنده مقاله حاضر نیستند). «میدراش» شیوه خاصی از تفسیر کتاب مقدس در میان یهود است و بسیاری از تفاسیر کتاب مقدس در رده میدراش قرار می‌گیرند.

^۱ - اقتباسی از مزامیر ۴:۸.

^۲ - Labbiel.

^۳ - shades.

(منظور ارواح مردگان است).

^۴ - the prince of Hades.

^۵ - Nergal.

دوزخ^۱ به شکل شیر (حیوان درنده) است، ممکن است از به معنای «شیر» و به معنای «خدا» گرفته شده باشد (ibid). بدون تردید واژه عبری با واژه عربی «لَبْؤُهُ» به معنای «ماده شیر» (ابن منظور، ماده لبأ) هم‌خانواده است.

ب - آپوکریفا و سوداپیگرافا

در کتاب آپوکریفای^۲ طوبیت^۳، رفائیل نقش هدایت «طوبیاس»^۴ پسر «طوبیت» را بر عهده دارد. داستان کتاب از این قرار است:

مردی درستکار به نام طوبیت که در جریان تبعید یهودیان به آشور در نینوا ساکن شده است پس از یک عمل خیر (دفن یک یهودی بر خلاف میل پادشاه آشور) در فضای باز می‌خوابد و به خاطر ریختن فضله پرنده‌ای در چشمانش نابینا می‌شود و به روزی می‌افتد که از خداوند آرزوی مرگ می‌کند (Tobit 2:3-3:6). در همین زمان، دختر جوانی به نام سارا^۵ (که دختر برادر طوبیت است) نیز در سرزمین دوردست «ماد»^۶ آرزوی مرگ می‌کند، زیرا هر مردی با او ازدواج می‌کند، «دیو شهوت»^۷ آن مرد را در شب عروسی قبل از زفاف می‌کشد. سارا به این ترتیب هفت شوهر را از دست داده است (ibid 3:7-13). خداوند رفائیل فرشته را به صورت یک انسان می‌فرستد تا طوبیت را شفا دهد و سارا را از دیو آزاد سازد (ibid

^۱ - the nether-world.

^۲ - آپوکریفا عبارت‌اند از کتاب‌هایی که در رسمیت آن‌ها به عنوان بخشی از کتاب مقدس اختلاف نظر است، مانند کتاب حکمت سلیمان و کتاب سیراخ. کاتولیک‌ها اکثر این کتاب‌ها را جزئی از کتاب مقدس می‌دانند، در حالی که یهودیان و پروتستان‌ها این کتاب‌ها را داخل در آن نمی‌شمارند. سوداپیگرافا دسته‌ای از «نوشته‌های مقدس» هستند که در هیچ یک از نسخه‌های کتاب مقدس دیده نمی‌شوند، مانند کتاب دوم حزوئیل. این کتاب‌ها معمولاً به شخصیت‌های بزرگ کتاب مقدس مانند ابراهیم (ع)، موسی (ع)، شیت (ع) و ... نسبت داده می‌شوند و ادعا می‌شود که حاوی اطلاعات و حیانی و مکاشفه‌ای هستند. اما تحقیقات مدرن نشان می‌دهد که نسبت دادن آن‌ها به پیامبران مذکور نادرست است و وجه تسمیه آن‌ها به سوداپیگرافا (= نوشته‌های دروغین) نیز همین است (ر.ک: لوفمارک، ۶۳ - ۵۹).

^۳ - کتاب طوبیت که به احتمال قوی در قرن دوم پیش از میلاد نوشته شده، جزو ادبیات یهودی است اما هرگز در کتاب مقدس عبری (تنج) به عنوان کتاب قانونی (canonic) به رسمیت شناخته نشده است. حوادث داستان کتاب در قرن هشتم قبل از میلاد اتفاق می‌افتد، ("Book of Tobit", in Wikipedia; "Tobit, Book of", in the Jewish Encyclopedia)

کتاب طوبیت توسط پیروز سیار از زبان فرانسوی ترجمه و در مجموعه کتاب‌هایی از عهد عتیق: کتاب‌های قانونی ثانی (تهران، نشر نی، ۱۳۹۰) منتشر شده است؛ اما نویسنده مقاله حاضر از متن انگلیسی استفاده کرده است.

^۴ - Tobias.

^۵ - Sarah.

^۶ - Media.

(کشور باستانی ماد در شمال غربی ایران کنونی).

^۷ - demon of lust.

(17-16:3). طویباس پسر طوبیت، برای بازیافتن پولی که در زمانی پدرش در ماد به امانت نهاده بوده به آن کشور سفر می‌کند و رفائیل که خود را «عزاریا»^۱ خویشاوند طوبیت معرفی می‌کند به صورت مردی با او هم سفر می‌شود (ibid 4:1-5:12). در راه یک ماهی غول آسا به طوبیت حمله‌ور می‌شود. آن‌ها او را می‌کشند و کبد، قلب و کیسه صفرايش را برای مصارف دارویی بیرون می‌آورند (ibid 6:2-8). وقتی به ماد می‌رسند، عزاریا (رفائیل) به طویباس پیشنهاد می‌کند با دختر عمویش سارا ازدواج کند. رفائیل به طویباس یاد می‌دهد کبد و قلب ماهی را بسوزاند و دود حاصل از آن «دیو شهوت» را فرار می‌دهد. دیو شهوت به مصر فرار می‌کند و رفائیل او را تعقیب کرده در آنجا در بند می‌کند (ibid 6:10-8:3). سپس آن‌ها پول پدر طویباس را باز می‌یابند و با عروس به نینوا باز می‌گردند. در آنجا رفائیل با استفاده از کیسه صفرای ماهی، کوری پدر طویباس را شفا می‌دهد. سپس رفائیل خود را معرفی می‌کند: «من رفائیل هستم، یکی از هفت فرشته مقدسی که ... به حضور جلال خدای یگانه وارد می‌شوند» و به آسمان پرواز می‌کند (ibid 9:1-12:21).

در نسخه حبشی کتاب سوداپیگرافی مکاشفه^۲ حنوخ^۳ مشهور به کتاب اول حنوخ^۳، رفائیل از جانب خدا مأموریت می‌یابد که عزازیل^۴ (از سردستگان فرشتگانی که از آسمان به زمین آمده و در آستانه ظهور نوح سر به طغیان نهاده بودند) را در بیابانی به نام دودائیل^۵ در حفره‌ای در بند کند و دهانه حفره را با صخره‌ها بپوشاند (IEnoch 10:4-5).

همچنین (بر اساس ترجمه انگلیسی متداول) در کتاب اول حنوخ آمده: «و این‌ها نام‌های فرشتگان مقدسی هستند که دیدبانی^۶ می‌کنند: اورئیل، یکی از فرشتگان مقدس که (موکل) بر جهان و تارتاروس^۷ است. رفائیل، یکی از فرشتگان مقدس که (موکل) بر ارواح مردم است...»^۸

^۱ - Azariah.

^۲ - *Ethiopic Apocalypse of Enoch*.

^۳ - *IEnoch*.

^۴ - Azazel.

^۵ - Dudael.

^۶ - watch.

^۷ - Tartarus.

(نام دوزخ در اساطیر یونان).

^۸ - جمله انگلیسی چنین است:

Uriel, one of the holy angels, who is over the world and over Tartarus. Raphael, one of the holy angels who is over the spirits of men.

(3:1-20:1 *I Enoch*). سپس نام پنج فرشته مقرب دیگر را می آورد که مجموعاً هفت فرشته می شوند.

به اعتقاد گینزبرگ، نسبت دادن نگهبانی تارتاروس به اورئیل ناشی از اشتباه در ترجمه (از حبشی به انگلیسی) است و جمله ذکر شده در انتهای *I Enoch 20:2* باید پیوسته به جمله بعدی یعنی *I Enoch 20:3* معنی شود. پس معنی درست چنین خواهد بود: «اورئیل، یکی از فرشتگان مقدس، که موکل بر جهان است. و موکل بر تارتاروس، رفائیل است که یکی از فرشتگان مقدس است و موکل بر ارواح مردم است». زیرا نگهبانی ارواح با نگهبانی دوزخ متناسب است (Ginzberg, vol 5, p.71).

در موضع دیگری از کتاب *اول حنوخ*، رفائیل فرشته موکل بر همه بیماری‌ها و زخم‌های بنی آدم معرفی می شود (*I Enoch 40:9*).

در کتاب سوداپیگرافی وحی موسی^۱ آمده است: «او خدا (پس از مرگ آدم) به میکائیل، جبرئیل، اورئیل و رفائیل گفت: «بدن آدم را با جامه‌ها بپوشانید و روغن زیتون خوشبو آورده بر او بریزید» (*Revelation of Moses 570:1,2*).

در جمع بندی محتویات کتاب‌های یهودی، می توان گفت در این کتاب‌ها عناصر مشترک زیر درباره رفائیل دیده می شود: ۱ - نجات دهندگی فرشتگان (ادبیات میدراشی)، ۲ - درمانگری بیماری‌ها و زخم‌های انسان‌ها (ادبیات میدراشی، طوبیت و کتاب *اول حنوخ*)، ۳ - در بند کردن یک دیو یا شیطان در سرزمینی دوردست (طوبیت و کتاب *اول حنوخ*)، ۴ - یکی از چهار (وحی موسی) یا هفت (طوبیت و کتاب *اول حنوخ*) فرشته مقرب خدا، ۵ - موکل بر دوزخ یا ارواح مردم (کتاب *اول حنوخ*) و ۶ - شرکت در تکفین آدم (وحی موسی). با توجه به تعداد کتاب‌های مشترک در بیان یک اندیشه، مهم‌ترین عناصر فوق عناصر (۲)، (۳) و (۴) هستند.

رفائیل در مسیحیت

در عهد جدید از فرشتگان مقرب تنها جبرئیل و میکائیل به نام ذکر شده‌اند (لوقا، ۱: ۲۶-۹؛ رساله یهودا، ۹).

^۱ - *Revelation of Moses*.

انجیل یوحنا داستان گروهی از بیماران را نقل می‌کند که نزدیک حوضی در «بیت حسدا» منتظر حرکت آب بودند، زیرا هر چند وقت یک بار فرشته خداوند به استخر داخل می‌شد و آب را به حرکت در می‌آورد و اولین بیماری که بعد از حرکت آب به استخر داخل می‌شد از هر مرضی که داشت شفا می‌یافت (انجیل یوحنا، ۵: ۴-۱). هر چند نام این فرشته در فقرات مذکور نیامده، به خاطر نقش شفا دهنده‌ی رفائیل، این فرشته خاص معمولاً با رفائیل یکی دانسته می‌شود ("Raphael", in Wikipedia).

عبارت رفائیل در معرفی خود در کتاب طوبیت که پیش‌تر ذکر شد «من رفائیل هستم، یکی از هفت فرشته مقدسی که ... به حضور جلال خدای یگانه وارد می‌شوند» (Tobit, 12:15). یادآور فرشتگانی است که در عهد جدید، کتاب مکاشفه یوحنا رسول به آن‌ها اشاره شده اما اسم آن‌ها ذکر نشده: «و دیدم هفت فرشته را که در حضور خداوند ایستاده‌اند که به ایشان هفت کرنا داده شد» (مکاشفه یوحنا رسول، ۸: ۲). بنابراین در عهد جدید نام رفائیل به صراحت ذکر نشده است. اما در متون آپوکریفا و سوداپیگرافا می‌توان نام او را به فراوانی یافت.

رفائیل در آپوکریفا و سوداپیگرافای مسیحی

چنان که گفته شد، کتاب طوبیت احتمالاً پیش از میلاد مسیح نگاشته شده و ریشه‌ای یهودی دارد. خود یهودی‌ها آن را جزئی از تنخ نمی‌دانند، اما مسیحیان ارتودوکس و کاتولیک آن را به عنوان کتاب قانونی به رسمیت می‌شناسند. پروتستان‌ها این کتاب را قانونی نمی‌دانند، اما لوتر آن را در زمره کتاب‌هایی می‌داند که هرچند مقدس نیستند، برای مطالعه مفیدند (لوفمارک، ۶۲). در مجموع، مسیحیان کتاب طوبیت را از کتاب‌های قانونی ثانویه^۱ می‌دانند ("Raphael", in Wikipedia)؛ بنابراین کتاب طوبیت برای مسیحیان نیز مهم است و این اهمیت از تأثیری که این کتاب بر زندگی مسیحیان گذاشته است معلوم می‌شود. به خاطر کارهایی که رفائیل مطابق کتاب مذکور انجام داده است (مانند شفا دادن طوبیت، همراهی طوبیاس در سفر و رساندن سارا به او)، کاتولیک‌ها او را قدیس حامی^۲ دست اندرکاران

^۱ - deuterocanonical.

^۲ - patron saint.

طبابت (مانند پزشکان، پرستاران و ...)، دلّالان ازدواج^۱ و مسافران می‌دانند که طبقات فوق یا کسانی که به خدمات آن‌ها نیاز دارند می‌توانند به او متوسّل شوند (ibid).

همچنین گاهی از اوقات رفائیل بر روی مدال‌ها بر فراز ماهی بزرگی که شکار کرده و از طنابی آویخته است مجسم می‌شود (ibid) که اشاره به داستان شکار ماهی غول آسا در کتاب طوبیت است.

مطابق کتاب آپوکریفایی رساله حواریون^۲، عیسی (پس از مصلوب شدن و رستخیز خود) به حواریون می‌گوید: «من در آسمان بودم و از کنار فرشتگان مقرب و (سایر) فرشتگان با صورت‌هایشان^۳ گذشتم. مثل این بود که گویی من یکی از آن‌ها بودم... اینک فرمانده فرشتگان میکائیل بود و اورئیل و رفائیل در پی من تا آسمان پنجم آمدند...» (Epistle of the Apostles, 13)

چنان‌که دیده می‌شود، در کتاب مذکور تعداد فرشتگان مقرب چهار تا دانسته شده است. در کتاب آپوکریفایی انجیل بارتولومیو^۴، شیطان که در دستان بارتولومیو اسیر شده اسرار را برای او چنین فاش می‌کند: «من نخستین فرشته‌ای بودم که خلق شدم... میکائیل دومین، جبرئیل سومین، اورئیل چهارمین، رفائیل پنجمین، ناتانائیل^۵ ششمین و (سپس) سایر فرشتگان... زیرا اینان چویداران^۶ یا متصلیان مجازات^۷ خداوند هستند و آن‌ها مرا با عصاهایشان در هم می‌کوبند»^۸ (Gospel of Bartholomew, 28-29).

نسخه‌های مختلف انجیل بارتولومیو در جزئیات توصیف فرشتگان با هم تفاوت‌هایی دارند، اما همه در این نکته متفق‌اند که فرشتگان مقرب شش یا هفت تا هستند. رتبه رفائیل در آفرینش، بسته به نسخه فرق می‌کند.

در این انجیل سپس از ۱۲ فرشته انتقام^۹ سخن به میان می‌آید که با هفت فرشته قبل جمعاً ۱۹ فرشته می‌شوند که یادآور ۱۹ فرشته موکل بر دوزخ در قرآن (مدثر: ۳۰) است.

^۱ - matchmakers.

^۲ - Epistle of the Apostles.

^۳ - their likeness.

^۴ - Gospel of Bartholomew.

^۵ - Nathanael.

^۶ - rod-bearer.

^۷ - lictors.

^۸ - مقایسه کنید با آیه «فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهُهُمْ وَ أَدْبَارَهُمْ» (محمد: ۲۷).

^۹ - vengeance.

چنان که می‌بینیم در کتاب فوق نقش رفائیل از «شفا دهندگی» به «تصلی عذاب» تغییر می‌یابد.

در کتاب سوداپیگرافی وحی *اسدراس*^۱ آمده است که اسدراس^۲ (که در این کتاب یکی از پیامبران خدا معرفی شده است) از خداوند به التماس خواست که اسرار خود را به او نشان دهد. میکائیل (از جانب خدا) به او دستور داد ۷۰ هفته روزه بگیرد. پس از این که اسدراس روزه را گرفت، رفائیل بر او ظاهر شد: «آنگاه رفائیل فرمانده فوج^۳ (فرشتگان) آمد و به من (اسدراس) عصایی از چوب استیراک^۴ داد و من دگر باره ۶۰ هفته روزه گرفتم و من رازهای خداوند و فرشتگانش را دیدم» (*The Revelation of Esdras, 1:1-3*). در جای دیگری از این کتاب آمده: «سپس خداوند به من (اسدراس) گفت: «ای اسدراس، آیا نام فرشتگان را در انتهای جهان^۵ می‌دانی؟ میکائیل، جبرئیل، اورئیل، رفائیل، گبوثلون^۶، عاقر^۷، آرفوجیتونوس^۸، بیوروس^۹ و زبولیون^{۱۰}» (ibid 3:7).

در روایت فوق تعداد فرشتگانی که رفائیل در میان آنهاست چهار یا هفت نیست، بلکه نه فرشته است که با روایات دیگر در مورد تعداد فرشتگان مقرب مطابقت ندارد. نام‌های فرشتگان نیز برخی عبری و برخی شبیه به نام‌های یونانی هستند که تأثیر فرهنگ هلنیستی را نشان می‌دهد. نام «زبولیون» یادآور «زبانیه» در قرآن (علق: ۱۸) است. همچنین این نام یادآور «زبولون» یکی از پسران دوازده‌گانه یعقوب (کتاب مقدس، خروج ۳:۱) است.

در جمع‌بندی مطالب کتاب‌های مسیحی، می‌توان گفت در این کتاب‌ها عناصر مشترک زیر درباره رفائیل دیده می‌شود: ۱ - شفای بیماران (عهد جدید بر اساس یک تفسیر^۱ و طوبیت)،

^۱ *The Revelation of Esdras*.

(با کتاب‌های آپوکریفایی *1Esdras* و *2Esdras* اشتباه نشود).

^۲ - برخی معتقدند اسدراس یا ازدراس نام یونانی عزرا کاهن مشهور است (هاکس، ۶۱۰). برخی نیز او را همان ادیس می‌دانند (جفری، ۱۱۰).

^۳ - the commander of the host.

^۴ - storax.

(نام گیاهی صمغ‌دار است).

^۵ - مقایسه کنید با آیه «و الْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَ يَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ» (حاقه: ۱۷).

^۶ - Gabuthelon.

^۷ - Aker.

^۸ - Arphugitonos.

^۹ - Bebuos.

^{۱۰} - Zebuleon.

۲ - یکی از چهار (رساله حواریون) یا هفت (عهد جدید) بر اساس یک تفسیر { و انجیل بارتولومیو) یا نُه (وحی اسدراس) فرشته مقرب خدا، ۳ - حمایت از مسافران (طوبیت)، ۴ - حمایت از افراد مجرد و طالب ازدواج (طوبیت)، ۵ - یکی از متصلیان مجازات و انتقام مجرمان و شیطان (انجیل بارتولومیو)، ۶ - فرمانده فوجی از فرشتگان (وحی اسدراس)، ۷ - هدایتگر پیامبران (وحی اسدراس) و ۹ - یکی از فرشتگان موکل بر اطراف و جوانب جهان (وحی اسدراس). با توجه به تعداد کتاب‌های مشترک در بیان یک اندیشه، مهم‌ترین عناصر فوق عناصر (۱) و (۲) هستند.

تأثیر رفائیل بر جغرافیای مسیحیت

نام رفائیل تأثیر روشنی بر نام‌های جغرافیایی در جهان کاتولیک گذاشته است. در این مورد می‌توان به نام‌های زیر اشاره کرد: سن رافائل^۱ در فرانسه و سن رافائل در کبک^۲ (کانادا)، شهرهایی با نام سن رافائل^۳ در آرژانتین، بولیوی، کلمبیا، کاستاریکا^۴، شیلی، مکزیک، ترینیداد و توباگو^۵، پرو، فیلیپین و ونزوئلا. در ایالات متحده آمریکا شهرهایی با نام سن رافائل^۶ دیده می‌شود که پیش‌تر به مکزیک تعلق داشته‌اند و آمریکا آن‌ها را تصرف کرده است: سن رافائل در کالیفرنیا (که در کنار رشته کوه‌هایی با همین نام قرار دارد)، در نیومکزیکو^۷ و یوتا^۸، جایی که رود فصلی سن رافائل در بیابانی با همین نام جریان دارد. کلیسای جامع مدیسون^۹ در ایالت ویسکونزین^{۱۰} نیز سنت رافائل نام دارد ("Raphael", in Wikipedia).^{۱۱}

^۱ - Saint Raphaël.

^۲ - Quebec.

^۳ - San Raphael.

^۴ - Costa Rica.

^۵ - Trinidad and Tobago.

^۶ - San Raphael.

^۷ - New Mexico.

^۸ - Utah.

^۹ - Madison.

^{۱۰} - Wisconsin.

^{۱۱} - در مسافرتی که نگارنده مقاله حاضر به شهر کوردوبا در اسپانیا داشت، دریافت که رافائل فرشته حامی این شهر است و بسیاری از پسران شهر «رافائل» نام دارند. همچنین کلیسایی به همین نام در کوردوبا وجود دارد که به اعتقاد اهالی بنا بر توصیه خود این فرشته به یک کشیش (در یک الهام) ساخته شده است.

رفائیل در مراسم دینی مسیحیت

روز جشن گرامی‌داشتِ رفائیل، برای نخستین بار در سال ۱۹۲۱ م. در تقویم عمومی رومی^۱ در ۲۴ اکتبر گنجانده شد. در اصلاحات سال ۱۹۶۹ م. در تقویم کاتولیک رومی قلدیسان^۲، این روز به ۲۹ سپتامبر منتقل شد تا گرامی‌داشتِ رفائیل همراه با دو فرشته دیگر (جبرئیل و میکائیل) برگزار شود. کلیسای انگلستان نیز ۲۹ سپتامبر را به عنوان «روز گرامی‌داشت میکائیل و همه فرشتگان» پذیرفته است. برخی از کاتولیک‌های سنتی^۳ هنوز هم بر اساس تقویم عمومی رومی در میان سالهای ۱۹۲۱-۱۹۶۹ م. عمل می‌کنند (ibid).

رفائیل در اسلام

نقش رفائیل در اسلام با دو دین دیگر ابراهیمی تا حدود زیادی متفاوت است. او در اسلام به عنوان فرشته شفا دهنده، حامی طالبان ازدواج و ... ظاهر نمی‌شود. نام رفائیل در متون اسلامی به مراتب کمتر از نام فرشتگان بزرگ دیگر (جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و عزرائیل) ذکر شده است. او عمدتاً در دو داستان ظاهر می‌شود: در داستان ذوالقرنین به عنوان فرشته راهنمای او (مجلسی، ۲۰۰/۱۲؛ عیاشی، ۳۴۳/۲؛ قرطبی، ۴۶/۱۱؛ ابن عساکر، ۳۴۷/۱۷؛ ابن حجر، ۲۵/۲؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ۱۲۷/۲؛ جزائری، ۱۷۳) و در داستان فرشتگانی که مهمان ابراهیم (ع) شدند که در این داستان در کنار سه فرشته بزرگ دیگر (جبرئیل، میکائیل و اسرافیل) ظاهر می‌شود^۴ (سیوطی، الاتقان، ۴۷۰/۲؛ همو، الدر المنثور، ۳۳۸/۳؛ طباطبایی، ۳۴۷/۱۰؛ قرطبی، ۴۴/۱۷؛ ابن کثیر، تفسیر، ۴۶۸/۲؛ آلوسی، ۲۹۰/۶). ذکر اسرافیل و رفائیل به طور متمایز در این داستان قابل توجه است. نام رفائیل گاهی هم به عنوان فرشته‌ای که ارواح را در خزانه^۵ خود نگه می‌دارد آمده (مناوی، ۶۸۷/۱).

در متون اسلامی نام این فرشته به صورت‌های گوناگونی مانند رفائیل (مجلسی، ۲۰۰/۱۲، پاورقی به نقل از العرائس ثعلبی)؛ زبافیل (ابن عساکر، ۳۴۷/۱۷)، رفائیل (مجلسی، ۲۰۰/۱۲؛ مشهدی، ۱۵۷/۸)، زرافیل (سیوطی، الدر المنثور، ۲۴۵/۴)، رباقیل (قرطبی، ۴۶/۱۱؛ ابن کثیر،

^۱ - the General Roman Calendar.

^۲ - the Roman Catholic Calendar of Saints.

^۳ - traditionalist Catholics.

^۴ - در کتاب مقدس، پیدایش ۲:۱۸ این داستان بدین شکل آمده که سه (و نه چهار) مهمان نزد ابراهیم آمدند. در برخی از روایات اسلامی نیز سخن از سه مهمان آمده است (ر.ک: طباطبایی، ۳۴۷/۱۰).

^۵ - با «صندوقچه» در داستان لایبل مقایسه شود.

البدایة و النهایة، ۱۲۵/۲، پاورقی به نقل از الأخبار دارقطنی؛ رناقیل (ابن کثیر، همان، ۱۲۷) و صورت‌های دیگر آمده که همه آنها تصحیف و همین اختلاف نمایانگر ناآشنا بودن این نام برای نویسندگان مسلمان است. ذکر این نام به صورت «رفائیل» در متون اسلامی مؤید ارتباط این نام با واژه به معنای پزشک (ر.ک: حیام، ۵۲۳) است.^۱

در متون اسلامی می‌توان موارد مشابهی برای داستان اعتراض فرشتگان به آفرینش آدم و نجات «لابیل» و فرشتگان تحت فرمانش (آنچنان که از گینزبرگ نقل شد) یافت. اما در این موارد نام رفائیل ذکر نشده است، یا به جای او سخن از «اسرافیل» آمده است. از ابن عباس نقل شده است: «وقتی خداوند فرشتگان را خلق کرد، گفت: «من می‌خواهم بشری از گل بیافرینم. هنگامی که او را آفریدم بر او سجده کنید.» [فرشتگان] گفتند: «نمی‌کنیم». خداوند هم آتشی فرستاده آنها را بسوخت.» سپس می‌گوید که خداوند فرشتگانی دیگر آفرید و آنها هم از سجده سر باز زده سوختند. این موضوع باز هم تکرار شد تا در دفعه چهارم خداوند فرشتگانی آفرید که فرمان خدا را پذیرفته گفتند: «شنیدیم و اطاعت کردیم.» مگر ابلیس که از کافران نخستین بود (طبری، ۴۲/۱۴؛ ابن کثیر، تفسیر، ۵۷۰/۲؛ سیوطی، الدر المنثور، ۵۰/۱-۵۱، با اندکی تفاوت: در جامع البیان تعداد گروه‌های ملائکه که می‌سوزند چهار، در تفسیر ابن کثیر یک و در الدر المنثور سه دسته است که مورد اخیر کاملاً با روایت یهودی منطبق است).

ابن کثیر هوشمندانه می‌نویسد: «ظاهراً این روایت اسرائیلی است» (ابن کثیر، همان‌جا). شباهت روایت فوق با روایت یهودی‌ای که قبلاً ذکر شد پوشیده نیست. روایت اسلامی مانند روایت یهودی به زمان پیش از خلق آدم مربوط است، اما در آن سخن از «سجده» فرشتگان به میان آمده که مربوط به بعد از خلق آدم است و در روایت یهودی به آن اشاره‌ای نشده است.^۲ از آنجا که سوختن فرشتگان «با انگشت خدا» به کلی با معارف اسلامی متضاد است، در روایت اسلامی این موضوع به صورت «خداوند آتش فرستاد...» اصلاح شده است.

همچنین در روایات اسلامی آمده: «وقتی خداوند فرشتگان را به سجده بر آدم امر کرد، اولین کسی از آنها که سجده کرد اسرافیل بود. خداوند به پاداش این عمل قرآن را بر پیشانی او نوشت» (ابن کثیر، قصص الانبیاء، ۴۱/۱؛ همو، البدایة و النهایة، ۹۶/۱؛ سیوطی، الدر المنثور، ۵۰/۱؛ ابن عساکر، ۳۹۸/۷). به نظر می‌رسد در اینجا هم داستان سجده فرشتگان بر آدم با

^۱ - محتمل است واژه «راق» در آیه «وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ» (قیامة: ۲۷) با واژه «رُفَاء» در ارتباط باشد.

^۲ - در سایر روایات یهودی (در قسمت‌های بعدی داستان آدم) سجده فرشتگان هم ذکر شده است که از موضوع بحث این مقاله خارج است.

داستان اعتراض آنان به خلق آدم (پیش از آفرینش او) آمیخته شده باشد. در متون یهودی کسی که نقش اصلی را در تشویق فرشتگان به سجده بر آدم دارد میکائیل است (Ginzberg, 1, p.64).

در جمع‌بندی مطالب کتاب‌های اسلامی، مشاهده می‌شود عناصر زیر دربارهٔ رفائیل دیده می‌شود: ۱ - راهنمایی یک پیامبر یا بندهٔ خوب خدا یعنی ذوالقرنین، ۲ - یکی از مهمانان ابراهیم (ع) و ۳ - موکل بر ارواح مردم. داستان نجات گروهی خاص از فرشتگان در اثر سجده بر آدم و پیش‌قدمی برخی از آنان در این امر در متون اسلامی آمده، اما در آن اشاره‌ای به نام رفائیل نشده یا به جای آن اسرافیل آمده است.

نسبت میان رفائیل و اسرافیل

در قسمت پیش‌گذشت که در برخی از روایات اسلامی، «اسرافیل» نقشی مشابه نقش رفائیل در روایات یهودی دارد. شباهت لفظ «اسرافیل» با «رفائیل» قابل توجه است. جای رفائیل به عنوان یکی از فرشتگان بزرگ در متون اسلامی خالی است و به او تنها اشاراتی گذرا شده که این اشارات کم‌رنگ قابل مقایسه با اهمیت او در متون یهودی و مسیحی نیست. برعکس، اسرافیل در متون اسلامی یکی از چهار فرشتهٔ بزرگ است. در متون یهودی و مسیحی، فرشته‌ای با نامی مشابه اسرافیل ندیده‌ایم. آنچه هست «سرافیم» است، به عنوان دسته‌ای از فرشتگان، نه یک فرشتهٔ منفرد. آیا ممکن است - با توجه به شباهت لفظی اسرافیل و رفائیل - اسرافیل در اسلام جای رفائیل را در یهودیت و مسیحیت گرفته باشد؟ در دایرهٔ المعارف جهانی و یکی پدیا فرشتگان مقرب در اسلام جبرئیل، میکائیل، رفائیل و عزرائیل دانسته شده‌اند ("Archangel", in Wikipedia). از این نظر پیداست اسرافیل با رفائیل یکی گرفته شده است. اما آیا واقعاً چنین است؟

آنچه یکسان شمردن اسرافیل را با رفائیل دشوار می‌سازد، دمیدن اسرافیل در «صور» است. اگر چه در قرآن دمیدن در صور به فرشتهٔ خاصی نسبت داده نشده و تنها اصل این حادثه ذکر شده است (به عنوان مثال ر.ک: کهف: ۹۹)، در روایات شیعی و سنی بسیاری فرشتهٔ دمنده در صور اسرافیل دانسته شده است (به عنوان نمونه، ر.ک: طوسی، ۱۲۴/۸؛ سیوطی، الدرّ المثور، ۹۴/۱). رفائیل چنین نقشی در یهودیت و مسیحیت ندارد. اندیشهٔ «دمیدن در صور» در قرآن، با همین اندیشه در عهد جدید (مکاشفهٔ یوحنا ی رسول ۸: ۶ به بعد) کاملاً قابل مقایسه است و

شباهت‌های زیادی در جزئیات این حادثه در مکاشفه یوحنا و متون روایی اسلامی به چشم می‌خورد (به عنوان نمونه، ر.ک: الحسین بن سعید الکوفی، ۹۰؛ سیوطی، *الدر المنثور*، ۲۲/۳) که بررسی آن‌ها در مجال این مقاله نیست. اما در مکاشفه یوحنا فرشته دمنده در صور رفائیل دانسته نشده است.

ولی آنچه در متون اسلامی و متون یهودی و مسیحی قابل مقایسه است نقش اسرافیل به عنوان یکی از حاملان عرش در متون اسلامی (مجلسی، ۲۵۹/۵۶؛ سیوطی، *الدر المنثور*، ۳۴۷/۵) و نقش رفائیل به عنوان یکی از فرشتگان ملازم عرش خدا در متون دو دین دیگر است. برای اسرافیل می‌توان متناظر دیگری نیز در متون یهودی و مسیحی یافت، یعنی «سرافیم». سرافیم^۱ (جمع ساراف ()) که به طور تحت اللفظی به معنای «سوزندگان»^۲ است، در موضعی از کتاب *مقاس* به معنای مارها^۳ به کار رفته، اما در کتاب اشعیا ۶: ۲-۶ به موجوداتی آسمانی اشاره دارد که ملازم عرش خدا، دارای شش بال^۴ و با موجودات دارای شش بال در کتاب مکاشفه یوحنا رسول ۴: ۸ قابل مقایسه هستند. سرافیم در مسیحیت نیز نقش محافظان عرش خدا را دارند (*"Seraph", in Wikipedia*). بنا به نوشته هاکس، سرافیم ارواحی هستند که همواره ملازم عرش پروردگار و از فرشتگان مقرب و از رتبه اعلی هستند (هاکس، ۴۷۳).

با توجه به این که اسرافیل در متون اسلامی از حاملان عرش است و سرافیم نیز در متون یهودی و مسیحی همین نقش را دارند^۵، می‌توان با توجه به شباهت لفظی دو کلمه نتیجه گرفت این دو با هم در ارتباط هستند. شاهد آن که در معجم لغوی اسلامی، «اسرافیل» یکی از تلفظ‌های «اسرافین» و «اسرفین» و «سرافین» دانسته شده (زبیدی؛ ابن منظور، ماده سرف و ماده سرفن) و چنان که می‌دانیم پسوند «ین» در عربی علامت جمع است، چنان که پسوند «سیم» () در عبری همین عمل را انجام می‌دهد (Harrison, 53). از اینجا معلوم می‌شود «الف»

^۱ -seraphim.

^۲ - burning ones.

^۳ - serpents.

^۴ - برای دیدن نمونه‌ای از ذکر فرشتگان دارای شش بال در متون اسلامی، ر.ک: مجلسی، ۲۴۴/۵۶؛ سیوطی، *الدر المنثور*، ۲۹۸/۳، ۲۴۴/۵.

^۵ - در برخی از روایات اسلامی آمده اسرافیل چهار بال دارد: دو بال در هواست، یک بال را بر پایش نهاده و یک بال را بر دوش گرفته است (سیوطی، *الدر المنثور*، ۳۳۸/۵). این اوصاف بسیار شبیه اوصاف ذکر شده برای سرافیم در رؤیای اشعیا (کتاب *مقاس*، اشعیا ۶: ۲) است. با توجه به این که این روایت از کعب الاحبار (بدون استناد به پیامبر (ص)) ذکر شده، معلوم می‌شود کعب اسرافیل را با سرافیم یکی می‌دانسته است.

در اسرافیل بر خلاف تصور ابن منظور حرف اصلی نیست و این کلمه هم خماسی نیست. بلکه الف در اسرافیل زائد و مانند الف در «اسم» است که از کلمه دو حرفی عبری گرفته شده و برای ثلاثی کردن کلمه اضافه شده است.

اشکالی که بر یکسان دانستن اسرافیل و سرافیم وارد است آن است که اسرافیل یک فرشته است، در صورتی که سرافیم به طبقه‌ای از فرشتگان اطلاق می‌شود و هر چند به یکی از این گروه نیز «ساراف» گفته می‌شود، یک ساراف حائز اهمیت نیست بلکه گروه آن‌ها روی هم‌رفته دارای اهمیت است. مگر آن‌که اسرافیل را در اسلام فرمانده این «سرافیم» بدانیم. چنان‌که در روایات اسلامی، اسرافیل پرده‌دار پروردگار، نزدیک‌ترین آفریده به خدا و فرمانده «فرشتگان لوح» دانسته شده است (قمی، ۲۸/۲؛ مجلسی، ۳۱۹/۵۴).

می‌توان ویژگی‌های مطرح شده در مورد اسرافیل را در متون اسلامی در عناصر زیر جمع‌بندی کرد: ۱ - دمنده در صور، ۲ - ملازم عرش خدا، ۳ - صاحب چهار بال، ۴ - یکی از فرشتگان مقرب، ۵ - پرده‌دار و نزدیک‌ترین آفریده به خدا و ۶ - فرمانده فرشتگان لوح. از ویژگی‌های فوق، موارد (۲) و (۴) در مورد رفائیل و سرافیم و مورد (۳) تنها در مورد سرافیم نیز صادق است. سایر موارد از اختصاصات متون اسلامی هستند. مجموع مطالب فوق، اظهار نظر در مورد ماهیت اسرافیل را دشوار می‌سازد. اما اگر ناگزیر بخواهیم اظهار نظر کنیم، باید بگوییم که اگر راه یافتن اندیشه «اسرافیل» به روایات اسلامی مستند به وحی‌ای ویژه حضرت محمد (ص) نباشد (که احتمال آن نیز کم است)، دو احتمال وجود دارد: ۱ - رفائیل در متون اسلامی جای خود را به اسرافیل داده است. حضور رفائیل در کنار سه فرشته بزرگ دیگر در مهمانی ابراهیم (ع) مطابق متون اسلامی، شاهد این مدعاست. اما نام او تحت تأثیر اندیشه «سرافیم» به صورت اسرافیل در آمده، یعنی حرف «س» تحت تأثیر «سرافیم» به نام رفائیل اضافه شده است. ۲ - نام سرافیم با قیاس بر سایر فرشتگان که نام آن‌ها به «ئیل» ختم می‌شود، به صورت سرافیل و سپس اسرافیل در آمده و یک فرشته که فرمانده این سرافیم تصور شده، به نمایندگی از همه آن‌ها در متون اسلامی ذکر شده است. با اطلاعاتی که هم‌اکنون داریم نمی‌توان ترجیحی در میان دو وجه فوق قائل شد و چه بسا در برخی از متون احتمال اول و در برخی احتمال دوم برتری داشته باشد. احتمال اول می‌تواند نشان دهنده ناآشنا بودن نویسندگان مسلمان با اشتقاق صحیح نام رفائیل و غریب بودن این واژه در میان آنان باشد.

نتیجه‌گیری

در مقایسه نقش رفائیل در سه دین ابراهیمی، مشاهده می‌شود در اسلام اهمیت این فرشته مانند یهودیت و مسیحیت نیست و نقش او نیز با نقش او در دو دین دیگر شباهت زیادی ندارد. تنها ویژگی‌های مشترک میان اسلام و دو دین دیگر موارد زیر است:

۱ - راهنمایی یک قدیس یا پیامبر (در اسلام ذوالقرنین و در مسیحیت اسدراس) یا مسافر (در اسلام ذوالقرنین در مسافرت به سرزمین ظلمات و در یهودیت طوبیت).

۲ - تصدای مجازات مجرمان (در اسلام مجازات قوم لوط (ع)، در یهودیت گماشتگی بر دوزخ و در بند کردن شیطان و در مسیحیت یکی از فرشتگان انتقام یا «چوبداران»).

۳ - گماشتگی بر ارواح (با توجه به روایت «مناوی» در اسلام و روایت کتاب *اول حنوخ* در مورد گماشتگی او بر ارواح در یهودیت). ویژگی اخیر با ویژگی قبل در ارتباط است. این‌ها در صورتی است که اسرافیل را با رفائیل یکسان ندانیم. اما اگر آن دو را یکسان بدانیم، بودن در زمره فرشتگان مقرب^۶ و ملازمت عرش نیز به موارد مشترک فوق اضافه می‌شود.

اهمیت و نقش رفائیل در یهودیت و مسیحیت بسیار شبیه به هم است. این به خاطر این است که بسیاری از کتاب‌های مقدس در هر دو دین مورد توجه هستند. در هر دو دین، رفائیل از فرشتگان مقرب است و فرشته درمان، هدایتگر نیکان و متصدی مجازات شیطان و مجرمان شمرده می‌شود. در این میان نباید عناصر خاص یک دین را در برابر دین دیگر نادیده گرفت، مانند نقش خاص رفائیل در داستان خلق آدم و تکفین او در یهودیت و گماشتگی رفائیل بر یکی از اطراف و جوانب جهان در مسیحیت.

دلیل قاطعی نداریم که اسرافیل در اسلام همان رفائیل باشد. اندیشه «اسرافیل» از طرفی شبیه به اندیشه رفائیل و از طرفی دیگر شبیه به اندیشه سرافیم است و به نظر می‌رسد دو اندیشه فوق در متون اسلامی به هم آمیخته شده‌اند.

منابع

قرآن کریم.

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء

^۶ - هرچند داستان مهمانان ابراهیم (ع) در متون اسلامی اشعار دارد که رفائیل یکی از فرشتگان مقرب است، اما این اشعار در حد صراحت نیست.

الكتب العربية، ١٣٧٨ ق.

ابن بابويه، محمد بن علي، *الخصال*، تحقيق علي اكبر غفاري، قم، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، ١٤٠٣ ق.

ابن حجر العسقلاني، أحمد بن علي، *الإصابة في تمييز الصحابة*، تحقيق عادل أحمد عبدالموجود و علي محمد معوض، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٥ ق.

ابن عساکر، علي بن حسن، *تاريخ مدينة دمشق*، تحقيق علي شيري، بيروت، دارالفكر، ١٤١٥ ق.
ابن كثير، اسماعيل بن عمر، *البدایة و النہایة*، تحقيق علي شيري، بيروت، داراحياء التراث العربي، ١٤٠٨ ق.

_____، *تفسير القرآن العظيم*، با مقدمة دكتور يوسف عبدالرحمن المرعشلي، بيروت، دارالمعرفة، ١٤١٢ ق.

_____، *قصص الانبياء*، تحقيق مصطفى عبدالواحد، دارالكتب الحديثية، ١٣٨٨ ق.
ابن منظور، محمد بن مكرم، *لسان العرب*، قم، نشر أدب الحوزة، ١٤٠٥ ق.

ألوسي، محمود بن عبدالله، *روح المعاني في تفسير القرآن العظيم*، تحقيق علي عبدالباري عطية، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٥ ق.

جفري، آرتور، *واژه های دخیل در قرآن مجید*، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، توس، ١٣٨٦.

حییم، سلیمان، *فرهنگ عبری - فارسی*، تهران، انجمن کلیمیان تهران، ١٣٦٠.

راوندي كاشاني، فضل الله بن علي، *التوادر*، تحقيق سعيد رضا علي عسكري، قم، دارالحديث، ١٤٠٧ ق.

سيوطي، عبدالرحمن بن ابى بكر، *الإتقان*، ترجمه سيد مهدي حائري قزويني، تهران، امير كبير، ١٣٨٠.

_____، *الذر المثور في التفسير بالمأثور*، بيروت، دار الفكر، بي تا.

شمس شامى، محمد بن يوسف، *سبل الهدى و الرشاد في سيرة خير العباد*، تحقيق عادل احمد عبد الموجود و علي محمد معوض، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٤ ق.

طباطبایي، محمد حسين، *الميزان في تفسير القرآن*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، بي تا.

طبري، محمد بن جرير، *جامع البيان عن تأويل آي القرآن*، با مقدمة شيخ خليل الميس، تحقيق صدقي جميل العطار، بيروت، دارالفكر، ١٤١٥ ق.

طوسي، محمد بن حسن، *التبيان في تفسير القرآن*، تحقيق احمد حبيب قصير العاملي، مكتب الاعلام الإسلامی، ١٤٠٩ ق.

عياشى، محمد بن مسعود، *تفسير العياشى*، تحقيق سيد هاشم رسولى محلاتي، تهران، المكتبة العلمية الإسلامية، بي تا.

قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی)*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.

قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، تحقیق سید طیب موسوی جزائری، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.
کتاب مقدس: عهد عتیق و عهد جدید، ترجمه فاضل خان همدانی، ویلیام گلن و هنری مرتن، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰.

کوفی اهوازی، حسین بن سعید، *الزهد*، تحقیق میرزا غلامرضا عرفانیان، قم، مطبعة العلمية، ۱۳۹۹ ق.
 لوفمارک، کارل، *کتاب مقدس چیست؟ معرفی و نقد عهد عتیق و عهد جدید*، ترجمه محمد کاظم شاکر، تهران، دستان، ۱۳۸۴.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الأنوار*، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۳ ق.

مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، مکتبه الحیاء، بی تا.
 مشهدی، محمد بن محمد رضا، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تحقیق حسین درگاهی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.

مناوی، محمد عبدالرؤف بن تاج العارفین، *فیض القدر: شرح الجامع الصغیر*، تحقیق احمد عبد السلام، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.

موسوی الجزایری، نعمت الله، *النور المبین فی قصص الأنبياء و المرسلین (قصص الأنبياء)* (موجود در نرم افزار المعجم الفقهي).

هاکس، جیمز، *قاموس کتاب مقدس*، تهران، اساطیر، ۱۳۸۳.

Charles, R. H. (ed.), *The Apocrypha and Pseudepigrapha of the Old Testament in English* (v1: Apocrypha, v2: Pseudepigrapha), Oxford, Clarendon Press, 1968.

1 Enoch (Ethiopian Enoch), tr. R. H. Charles, in Charles, R. H. (ed.), *The Apocrypha and Pseudepigrapha of the Old Testament in English*, v2.

Epistle of the Apostles, in James, M. R. *The Apocryphal New Testament*.

Ginzberg, Louis, *The Legends of the Jews*, tr. Henrietta Szold, Philadelphia, The Jewish Publication Society of America, 1909.

Gospel of Bartholomew, in James, M. R. *The Apocryphal New Testament*.

Harrison, R. K. *Teach Yourself Hebrew*, London, The English Universities Press Ltd. 1957.

James, M. R. *The Apocryphal New Testament*, Oxford, Clarendon Press,

1924.

The Jewish Encyclopedia, New Edition, ed. Isidore Singer and others, New York, Funk & Wagnalls, 1925.

The Revelation of Esdras, in www.pseudepigrapha.com

Revelation of Moses, in www.pseudepigrapha.com

Tobit, tr. D. C. Simpson, in Charles, R. H. (ed.), *The Apocrypha and Pseudepigrapha of the Old Testament*, v1.

Wikipedia: The Free Encyclopedia, in <http://en.wikipedia.org>